

نخیر، حکومت اسرائیل دموکراسی نیست

بیش از ۱۱ میلیون نفر از حق رأی دادن دربارهٔ حکومتی که قلمرو آنها را کنترل می‌کند، محرومند.

جسیون هیکل^۱

ترجمه‌ی سید سجاد هاشمی‌نژاد



سیاستمداران آمریکایی دوست دارند بگویند که اسرائیل «تنها دموکراسی خاورمیانه است». اما اسرائیل دموکراسی نیست. اصلاً هم نیست. در واقع، اسرائیل یکی از غیردموکراتیک‌ترین کارکردهای حکومتی در میان کشورهای جهان را دارد.

اسرائیل بر کرانهٔ باختری و غزه کنترل کامل اعمال می‌کند. این قلمروها هیچ‌گونه خویش‌فرمانی^۲ واقعی ندارند. کرانهٔ باختری (با بیش از ۳ میلیون نفر جمعیت) تحت اشغال نظامی است، که بر اساس قوانین بین‌المللی غیرقانونی به‌شمار می‌آید. غزه نیز (با ۲.۱ میلیون نفر جمعیت)، بر اساس قوانین بین‌المللی تحت اشغال نظامی است، چرا که اسرائیل مستقیماً آسمان آن را، ساحل آن را و مرزهای زمینی آن را کنترل می‌کند و بر هرچیز که به غزه وارد یا از آن خارج می‌شود، تسلط دارد.

آن جمعیت ۵.۱ میلیون نفری که در این قلمروها زندگی می‌کنند، دربارهٔ حکومتی که عملاً بر همه‌چیز زندگیشان مسلط است، حق رأی ندارند. بدین ترتیب، حقوق اساسی بشری ایشان بر اساس قوانین بین‌المللی تأمین نمی‌شود و با مصونیت کامل، این حقوق پیوسته نقض می‌گردد.

علاوه بر این، ۶ میلیون نفر فلسطینی دیگر هم هستند که به‌صورت قهری از فلسطین بیرون رانده شده‌اند و اکنون در مقام پناهندگانی بی‌دولت و بدون هیچ نوع حقی در وطن اصلی‌شان، به زندگی ادامه می‌دهند.

پس چیست آنچه در جریان است؟ بله، آپارتاید.

اشخاص زیادی تشبیه آپارتاید را نمی‌فهمند، چرا که وقتی درباره آپارتاید در آفریقای جنوبی فکر می‌کنند، به تفکیک نژادی عینی و حقوق نابرابر میان شهروندان فکر می‌کنند، و می‌گویند که چنین چیزی در اسرائیل رخ نمی‌دهد (که می‌دهد^۳). اما این را «آپارتاید خُرد» می‌گویند، که تنها بخش کوچکی از نظام آپارتاید در آفریقای جنوبی را تشکیل می‌داده. آن قصه اصلی - «آپارتاید عظیم» - طراحی‌هایی بسیار بزرگ‌تری داشته، و در آنجاست که این تشبیه [میان آفریقای جنوبی و اسرائیل] بیشترین قدرت را دارد.

آپارتاید عظیم، فرایند باز شکل‌دهی مرزهای سرزمینی و حق شهروندی است. ایده آن بود که جمعیت آفریقایی به صورت قهری از بیشتر قلمرو کشور بیرون رانده شوند - که به معنای واقعی کلمه، با تخریب بولدوزری خانه‌هایشان و ریختن آن مردم پشت کامیون انجام می‌شد - و سپس در پاره‌زمین‌های ریز و تکه‌تکه‌ای به نام بانتوستان‌ها^۴ افکنده شوند. بعد، گرداگرد هر بانتوستان یک مرز می‌کشی و در همانجا به مردم «حق شهروندی» می‌دهی و برایش پرچم و نشان ملی می‌سازی، و یک «مجلس شورا» هم برایش دست‌وپا می‌کنی.

با اتخاذ این رویکرد - یعنی پاکسازی قومی - رژیم آپارتاید اکثریت جمعیت آفریقایی را در محصوره‌هایی که صرفاً ۱۳ درصد سرزمین را شامل می‌شدند افکند و هرگونه حق شهروندی در قلمرو «سفیدپوستان» را از ایشان مسلوب داشت. سفیدپوستان با بیان اینکه آفریقایی‌ها حالا «کشور»های خودشان را، یعنی بانتوستان‌ها را دارند، این امر را توجیه می‌کردند. اما روشن است که بانتوستان‌ها جعلی بودند. نه قدرت راستینی داشتند، نه خویش‌فرمانی اقتصادی، نه ارتش مستقل و غیره و غیره. مرزهای آنها و تجارت آنها تحت تسلط رژیم آپارتاید بود.

اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تأسیس شد، درست در همان سالی که رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی به وجود آمد؛ و از آن پس اسرائیل مو به مو دستورالعمل الگوی آپارتاید عظیم را دنبال کرده.

واقعه نکت فرایند فروافکندن فلسطینیان به بیرون از سرزمین‌هایشان و به بیرون از خانه‌هایشان را آغاز کرد؛ در یکی از این دو صورت:

الف) به محصوره‌هایی که امروز غزه و کرانه باختری را تشکیل می‌دهند، که ۵.۱ میلیون نفر در آنها در درون مرزهایی زندگی می‌کنند که اسرائیل آنها را تحت تسلط خود دارد.

ب) به کشورهای هم‌جوار، که اکنون ۶ میلیون فلسطینی در مقام پناهندگان بی‌دولت در آنها می‌زیند.

و فرایند پاکسازی قومی، امروز هم در جریان است.

نتیجه چیست؟

بیش از ۱۱ میلیون نفر از ساحت صاحب‌حق‌بودن در قلمرو سرزمینی خودشان به بیرون افکنده شده‌اند، و از حق رأی دادن درباره حکومتی که آن قلمرو سرزمینی را کنترل می‌کند، محروم داشته شده‌اند.

حکومت اقلیت، از سوی صهیونیست‌ها، صرفاً به این دلیل «دموکراتیک» اعلام می‌شود که اکثریت جمعیت را مطرود داشته است. دموکراسی نامیدن چنین چیزی، مضحکه‌ای خارق‌العاده است. در آپارتاید، چیزی به نام دموکراسی وجود ندارد. آپارتاید بایستی برچیده شود. آن ۱۱ میلیون نفر باید آزادی آن را داشته باشند که به سرزمین‌ها و خانه‌هایشان بازگردند و در یک سامان

سیاسی کاملاً دموکراتیک از تمام حقوق شهروندی، از جمله حق رأی درباره اینکه چه کسی بر ایشان حکومت می‌کند، برخوردار باشند.

شایان اشاره است که هرچند گفتمان لیبرال در ایالات متحده اشاره دارد که خواهان پیدایش دموکراسی در خاورمیانه است، چیزی دروغین‌تر از این مدعا نیست. طی ۶۰ سال گذشته، ایالات متحده رژیم‌های اقتدارگرا در منطقه را تقویت کرده تا بتواند منافع خود را حفظ کند؛ و کوشیده تا جنبش‌های آزادی‌خواه مبارز برای دموکراسی را در هم بکوبد.^۵ همچنان که سمیر امین اشاره کرده،^۶ اسرائیل و آمریکا فعالانه کوشیده‌اند تا دموکراسی‌های اصیل در منطقه را پس بزنند، چرا که وجود کشورهای دموکراتیک عربی در منطقه به سرعت توازن قدرت را به سود آرمان فلسطین تغییر خواهد داد.

این مدعا که اسرائیل یک حکومت آپارتایدی است، دیدگاهی در حاشیه محسوب نمی‌شود. تمام سازمان‌های بزرگ حقوق بشری این موضع را اتخاذ کرده‌اند،^۷ از عفو بین‌الملل گرفته تا دیدبان حقوق بشر. و در سال ۲۰۲۴، دیوان بین‌المللی دادگستری با صدور یک نظر تفسیری^۸، بیان داشت که اسرائیل بند ۳ «کنوانسیون برچیدن تمامی اشکال تبعیض نژادی» را، که «تفکیک نژادی و آپارتاید» را محکوم و منع می‌کند، نقض کرده است.

اسرائیل یک رژیم آپارتاید است. آپارتاید در اساسنامه‌ی رم دیوان بین‌المللی کیفری، جنایت علیه بشریت نامیده شده؛ و این جنایت باید برچیده شود.

یادداشت‌ها

^۱ <https://substack.com/inbox/post/۱۵۹۷۳۲۹۶۰>

^۲ Sovereignty - «حق حاکمیت مستقل» - م.

^۳ بنگرید به گزارش عفو بین‌الملل:

<https://www.amnesty.org/en/latest/campaigns/۲۰۲۲/۰۲/israels-system-of-apartheid/>

^۴ Bantustans

^۵ بنگرید به این کتاب:

<https://anthempress.com/arab-development-denied-pb>

^۶ <https://monthlyreview.org/۲۰۰۴/۱۱/۰۱/u-s-imperialism-europe-and-the-middle-east/>

^۷ <https://x.com/ZachFoster/status/۱۸۱۱۷۷۷۳۴۳۰۶۶۳۵۰۰۱۹>

^۸ <https://icj-cij.org/sites/default/files/case-related/۱۸۶/۱۸۶-۲۰۲۴-۰۷۱۹-adv-۰۱۰۰۰-en.pdf>